( 89 )

هو الابهی

ای امة الله نامه‌ات در این مقام وارد و ملاحظه گردید تبتل و تضرع بود و توجه و تذکر الیوم عظمای رجال غافل و تو آگاه و علمای اقوام و ملل کور و تو بینا و با انتباه اقویا اضعف ضعفا گشتند و توانان ناتوان شدند و اماء رحمن مرد میدان این چه فضل است و این چه احسان و این چه لطف است و این چه احسان منت حی قیومی را سزاست که نساء را باقبال فخر رجال فرمود و اماء را بقوت ایمان غالب بر ابطال میدان نطقی فصیح بخشید و بیانی بلیغ قلبی روشن عطا فرمود و صدری ملهم جانی پر بشارت داد و وجدانی در نهایت لطافت و نورانیت له الفضل و له الجود و له الاحسان علی کل موجود (ع ع)

امة الله زهرا و امة الله فاطمه و امة الله راضیه را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ دارید و همچنین جناب سلیل علی اکبر را جناب آقا محمد را از قبل این عبد نهایت اشتیاق ابلاغ دارید بگوئید غم مخور محزون مباش جمال قدم روحی لاحبائه الفدا را از وطن و شهرها اخراج نمودند اگر من و شما را نیز اخراج نمایند ضرری ندارد تأسی بحضرت مقصود نمودیم و از کأس بلای او چشیدیم و البهآء علیه (ع ع)